

نامه محمود صالحی از زندان و شرح دستگیری به گای رایدر

محمود صالحی

بیست هشتم فروردین ماه هشتاد و شش

تاریخ ۲۰۰۷/۰۴/۱۳

آقای گای رایدر عزیز،

امروز ۲۰۰۷/۰۴/۱۲ امکان یافتم تا از زندان سنندج با یکی از رفقایم تماس تلفنی بگیرم. طی این تماس از وی خواستم تا از طریق این نامه چگونگی ربودن مرا به اطلاع شما برساند.

روز دوشنبه ۹ آوریل در محل کارم، یعنی شرکت تعاونی مصرف کارگران سقز، مشغول انجام وظایفم بودم که یکی از فرماندهان حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی سقز در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه به وقت ایران وارد شد و گفت که آقایان فرماندار و دادستان میخواهند تا در مورد مراسم اول ماه مه سقز با من مذاکره کنند، از آنجا که این شخص بارها شخصا به محل کارم آمده و مرا برای مذاکره با کاربدستان دعوت کرده بود دچار هیچ شکی نشدم و همراه وی رفتم. وقتی به آنجا رسیدم متوجه شدم که نه دیدار با فرماندار و دادستان مطرح است و نه مسئله مراسم اول مه امسال.

در آنجا یکی از کار بدستان قضائی حکم دادگاه تجدید نظر را به من شفاها اعلام کردند که طی آن به یک سال حکم تعزیری در زندان و سه سال حکم تعلیقی محکوم شده‌ام. من به شیوه فریبکارانه دستگیری خود اعتراض کردم و آنرا مخالف شان انسانی دانسته و از امضا کردن آن خوداری کردم. من هم گفتم که این حکم باید به دست وکلایم برسد یا از طریق مامور ابلاغ به درخانه ام آورده شود بعد از تفتیش بدنی من را به سرعت از دادگاه بیرون آورده و سوار ماشین کردند و با سرعت سرسام آوری ربودند. بعد از چند ساعت متوجه شدم که به زندان مرکزی سنندج برده می شوم.

آنها به این ترتیب اجازه ندادند تا من با همسر عزیز و بچه‌های نازنینم خدا حافظی کنم و حتی اجازه ندادند داروهایم را بردارم. بدون شک خیر دارید که یکی از کلیه‌های من از کار افتاده و کلیه‌ی دیگرم در حال از کار افتادن است و بدون آن داروها و مداوای مداوم جانم در خطر خواهد بود. این در عرف انسانی چه معنایی دارد؟ آنها من را صرفا به خاطر تلاش برای برگزاری روز جهانی خود و هم طبقه‌ئی هایم محکوم کرده‌اند و در عین حال جرات نمیکنند من را به صورتی معمولی احضار کنند. آنها مرا میربایند تا از خشم کارگران و مردم آزاده و از اعتراض درامان بمانند.

درواقع دستگیری من سه هفته قبل از اول مه ۲۰۰۷ یک اقدام سیاسی است و نه قضائی. آنها مرا در این شرایط معین دستگیر کرده‌اند تا برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه امسال دچار مشکل شود و تلاش کارگران ایران برای ایجاد تشکلهای مستقل از دولت دچار سستی گردد. اما آنها از این نکته غافلند که من متعلق به یک جنبش اجتماعی- کارگری هستم. آنها غافلند که من و سایر فعالین کارگری و مردم مبارز به شیوه جمعی کار میکنیم. این جنبش با این شیوه کار

همیشه این امکان را دارد تا جای خالی افرادش را پر کند. حتی این احتمال وجود دارد که فعالین جنبش کارگری در چنین شرایطی بر میزان فعالیت خود به لحاظ کمی و کیفی بیفزایند و مراسم مستقل روز جهانی کارگر را باشکوه تر از قبل برگزارکنند. این امکان وجود دارد که تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری مضاعف شود.

ضروری دانستم این نامه را برای شما بفرستم و شخصا شما را در جریان وقایع بگذارم. از روزی که در اول مه ۲۰۰۴ من و همکارانم را دستگیر کردند تا امروز در داخل و خارج تلاش ها، اعتراضات و مبارزات زیادی صورت گرفته است تا قوه قضائی ایران عقب نشانده شود. آنها در ابتدا ما را منتسب به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومهله) کردند و به خطر انداختن "امنیت ملی" را در پرونده ما وارد کردند.

مبارزه وسیع نهادها و تشکلهای کارگری در ایران و جهان کاربدستان قوه قضائی را واداشت از اینگونه پرونده سازیها دست بردارند. به عبارت دیگر مبارزه گسترده داخل و خارج پرونده سازان را کیلومترها به عقب نشاند. اما این مبارزه لازم است تا تبرئه کامل ما و تحمیل حق برگزاری مراسم مستقل روز جهانی کارگردسراسر ایران ادامه یابد. من شکی ندارم که شما همچنان نقش شایسته و قابل ستایش خود در این مرحله را نیز ادامه خواهید داد.

ارادتمند

محمود صالحی.

رونوشت:

آنا بیوندی

جانکس کوچکیویچ